

### آیین شهریار

پاپک بهی  
Aeen@asianews.ir

### در دسترس باشید

«میز کار جای خطرناکی است که از آنجا به جهان نگریده شود»

«جان لوکاره»  
اگر سرپرست کاری هستید، کوشش کنید که برای کارکنان خود قابل رویت و در دسترس باشید. زیرا ممکن است به راهنمایی شما نیاز داشته باشند.

مهم است که کسی با مسایل انسان شریک باشد.  
کارکنان اگر بدانند که مدیر در دسترس است و به آنها کمک می کند و اندرز می دهد، کارهای خود را بهتر به انجام می رسانند.

این اندرز به ظاهر ساده، قیمت ندارد.  
«چو بر سر نهی تاج شاهنشاهی

ره برتری بازجوی از بهی»  
«فردوسی»

### «با حال» خوب!



baahaal@asianews.ir

### آخری

در هتل های شهرستان های فرانسه رسم است مسافری آخر شب اسم خود را در بیان می گویند. آن شب هم مسافری بعد از نصف شب، آهسته در زد. در بیان خواب آلود پرسید:

«کیه؟»  
- آلفونسو دولاسیه ارادان لامزون.  
در بیان همان جور خواب آلود گفت:  
- خیله خوبیه سر و صدای این تونفر آخری هم رو بینده.

### خدمت قسطی

حسینعلی خان، کارمند سابقه دولت و دم بازنشستگی ناگهان در خیابان با فروشنده لوازم خانگی محله شان روبرو شد. به زحمت لیکندی زد و زور زگی گفت:  
- بهه! چه سعادت، خیلی وقت خدمتتون نرسیده بودم.  
فروشنده جوابش داد:  
- بله، از دو قسط پیش به این طرف.

### جمله سازی

از این لطیفه های (بیمزه) جمله سازی یادشید. مثلاً به غنفر گفتند باینتر جمله بساز. گفت: «دیشب شام پینزا خوردم...»  
گفتند: خوب، بقیه اش...  
- بقیه اش تو بیخچاله.

### زن شناسی

از «برنارد شاو» منقول است:  
● دنبال زن و انویوس ندوید، همیشه یکی دیگر از راه می رسد.  
● مردی که زن به خواستگارش جواب منفی بدهد، واقعاً شکنجه می کشد.  
● زنی که جواب منفی می دهد شکنجه خیلی بیشتری...

### فرق بعضی ها با بعضی ها

● فرق زد با بعضی زن ها چیست؟  
دزد از آدم، یا پولش را می خواهد یا جانش را، ولی بعضی زن ها هر دو را.  
● فرق بعضی زن ها با چوپان دروغگو:  
چوپان دروغگو قلاقله آخر را راست گفت.

### استثنای

بانومارگارت تاچر تنها زن استثنای عالم بشریت بود، زیرا قبل از حرف زدن می دانست چه می خواهد بگوید.

### شجاعت زن ها

بدون شک زن ها خیلی شجاع تر از مردها هستند. کدام مردی جرأت می کند به مغازه کفاشی برود و ۳۰-۴۰ جفت کش را امتحان کند، یا اینکه قصد خرید داشته باشد، یا اینکه اصلاً صنایع پول توی جیبش باشد.

### پیشنهاد نو

جواد لگزیان  
jl.baran@asianews.ir



داستان تاریخ همیشه زیبایی های خاص خود را برای خوانندگان داشته است و این داستان اگر واقعی و ایرانی باشد چه بهتر!

«تاریخ پرچم ایران» روایت چگونگی پرچم ملی ایران و نشان شیر و خورشید و شمشیر است که با پژوهش دکتر «نصرت ا...» بختور تاش، استاد دانشگاه و سرشناس نیز نوشته به رشته تحریر در آمده است.

داستان شکل گیری پرچم ایران از درفش کابوایی که بپریق ارجمنده کاهوه بود چنان که فردوسی می سرایید:  
«درفش خجسته میان سپاه ز گوهر درخشان به کردار ماه»  
تا پرچم ایران امروز ما؛ قصه ای است یاد آور شور و حماسه ایرانیان در روزگاران دور و نزدیک. مطمئناً پس از خواندن تاریخ پرچم ایران با نگاهی روشن تر پرچم ملی را نگاه می کنید.  
راستی دقت کرده اید که چه جاهایی در تهران نیاز به یک پرچم زیاده اورد و جای این پرچم خالی است!  
«تاریخ پرچم ایران» با ناستان تا امروز را انتشارات بهجت منتشر کرده است که می تواند هدیه ای خوب، یاد آور ایرانی بودن و هویت ملی برای ایرانیان آن سوی آب باشد.

## گفتگو با رشید جلالی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی

# عایدی ایران

# از هر مترمکعب گاز فقط ۲ سنت است



Gap@asianews.ir

رشید جلالی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی که در رای اعتماد به وزیر یوزی همامانه به عنوان مخالف سخن گفت صحبت از مافیایی کرد که میلیاردها دلار سرمایه کشور و در آمد ملی را به دلایل مختلف از جیب مردم به هدر داده اند. جلالی در گفت وگویی با خبرنگاری ایرانیوز در ادامه به سلسله مباحث مافیایی نفت و خسارت های حاصل از سوء مدیریت ها به مسایل تاز ای اشاره کرده است.

بودن، به نادرستی برآورده شده و در ۱۵۰ کیلومتر مربع مرز مشترک با قطر تاسیساتی ایجاد شده که تنها باید در ۸۰ کیلومتر مربع ایجاد می شده است. این امر باعث شده تا به دلیل شیب زمین و ناچار به تزریق گاز بیشتری برای برداشت باشیم که دو مشکل را به وجود آورده اول برداشت قطر به دلیل شیب زمین افزایش پیدا کرده و دوم چاهی که باید ۳۰ یا ۴۰ سال تولید داشته باشد به دلیل برداشت زیاد عمرش بسیار کاهش پیدا کرده است.

وزارت نفت هنوز قادر نیست از طریق یک لیست شفاف، فروشندگان و خریداران نفت را اعلام کند، باینکه ایران ۲۰ درصد نفت چین و یا ۴۰ درصد نفت ژاپن را تامین می کند، اما مشخص نیست نفت استحصالی تحقیقات از چه طریق و چه مجرای وارد کشتی ها شده و از ایران خارج می شود؟ هیچ کس به صورت شفاف پاسخگوی این سوال نیست. در قرارداد شل، بلوک بندی صورت گرفته برای نصب دستگاه های استخراج نفت به دلیل غیر تخصصی

می کند در حالی این رقم در حوزه مشابه در ایران ۱۵ هزار بشکه نفت است، اما به وزیر یوزی همامانه توجه نشد که زمین میدان نفتی نرروز از شن و ماسه بوده و با زمین میدان نفتی ایران که آهکی است و در نتیجه میزان استحصال هم متفاوت است. چرا که حوزه های نفتی با

باقی می ماند و در آمد حاصل از نفت نیز با وضع موجود قابل قیاس نبود. بر اساس قانون برنامه سوم توسعه باید ۲۸۰ میلیون مترمکعب با تزریق گاز، نفت استحصال شود. در صورتی که نهایت این امر ۸۰ میلیون مترمکعب بوده و ما با ۱۹۰ میلیون

اطلاعاتی هم که به مسوولان کشور ارائه کرده اند، معمولاً اطلاعات غلطی بوده است. به عنوان مثال، در قرارداد شل بلوک بندی صورت گرفته برای نصب دستگاه های استخراج نفت به دلیل غیر تخصصی بودن، به نادرستی

آن پرداخته نشده است. گازوئیل در ایران رقمی معادل ۶۶۰ ریال دارد اما در خارج مرز بالغ بر ۱۰ برابر قیمت خریداری می شود. ایران در حالی که ۶/۶ درصد جمعیت چین را داراست، ۱۶ برابر این کشور وسیع (به لحاظ جمعیت و مساحت) نفت در داخل توزیع می کند. بنابراین کالایی که تنها محصول اصلی صادرات ماست. برای صرفه جویی در آن برنامه های نادریم و واردات، صادرات و توزیع آن غیر شفاف عمل می شود.

در قراردادهای بیع متقابل بخش عمده ای از اطلاعات محرمانه ذخایر نفتی به دست بیگانگان افتاده و این یک تهدید ملی به حساب می آید. اشتباهی در امر اعلام تراز موجودی نفت صورت گرفته است. زنگنه تراز موجودی نفت کشور را ۱۳۲ و همامانه آن را ۱۵۹ اعلام کرده است. یعنی ایران ۱۵۹ میلیارد بشکه نفت ذخیره دارد که می تواند از آن برداشت کند. اوپک هم بر همین اساس و تراز اعلام شده، سقف تولید ایران را تعیین می کند و رقم آن را ۷ میلیون بشکه تخمین می زند.



مباحث و مقدار برداشت نفت مورد قیاس قرار نمی گیرند، بلکه شرایط زمین در امر استحصال بسیار تعیین کننده است. این خبر که کشفیات جدیدی در حوزه های نفتی اتفاق افتاده تا چه حد صحت دارد؟ هیچ کشف جدیدی در حوزه های نفتی رخ نداده. بر اساس برآورد

برآورده شده و در ۱۵۰ کیلومتر مربع مرز مشترک با قطر تاسیساتی ایجاد شده که تنها باید در ۸۰ کیلومتر مربع ایجاد می شده است. این امر باعث شده تا به دلیل شیب زمین و ناچار به تزریق گاز بیشتری برای برداشت باشیم که دو مشکل را به وجود آورده اول برداشت قطر به دلیل شیب زمین افزایش پیدا کرده و دوم چاهی که باید ۳۰ یا ۴۰ سال

تحلیل شما از بحث های مطرح پیرامون نفت چیست؟ بخشی از این مشکلات درونی و بخش عمده ای از آن القایی است که از خارج کشور ارایه می شود. چه توسط اوپک و چه توسط کارتل های نفتی که اساس بازیگری نفت را در دنیا بر عهده دارند. وزارت نفت هنوز قادر نیست از طریق یک لیست شفاف فروشندگان و خریداران نفت را اعلام کند، باینکه ایران ۲۰ درصد نفت چین و یا ۴۰ درصد نفت ژاپن را تامین می کند، اما مشخص نیست نفت استحصالی تحقیقات از چه طریق و چه مجرای وارد کشتی ها شده و از ایران خارج می شود؟ هیچ کس به صورت شفاف پاسخگوی این سوال نیست. بنابر این بخشی از مافیایی نفت به صورت شفاف از سوی کشورهای خارجی و بخشی از آن سازمان ها نهادها، دوایر دولتی و غیر دولتی در کشور هستند و به دلیل منافعی که در نفت دارند در برابر همه اتفاقاتی که رخ می دهد سکوت می کنند. هیچ راهی هم برای برون رفت از این مساله وجود ندارد مگر اینکه منابع تولید نفت و نحوه خروج به طور شفاف بیان شده و بر اساس آن شورا یا مجموعه و

بیع متقابل وارد صنعت نفت شده پیشرفت داشته ایم، ما مدعی هستیم که چنین اتفاقی روی نداده است. چرا که هیچ تکنولوژی جدیدی که نسبت به گذشته در برداشت و تولید نفت تحولی راد در کشور ایجاد کرده باشد، وارد نشده است.

میتواند در آن طرح «یوگاز» می تواند جایگزینی برای سوخت های فسیلی باشد؟ طرح «یوگاز» سوختی با منشأ فضولات انسانی و حیوانی است. این طرح که هم اکنون در استرالیا و چین به کار گرفته شده و با حداقل فضولات می شود حکدا انرژی را با تکنولوژی بومی و محلی و بدون مصارف سوخت فسیلی به دست آورد. ۱۸ سال پیش در جهاد سازندگی وقت مطرح شد، اما به نظر من همین مافیایی نفتی از تحقق و مطرح شدن این طرح ممانعت به عمل آوردند. با مطرح شدن این طرح و جایگزینی آن به جای سوخت فسیلی

در قراردادهای بیع متقابل بخش عمده ای از اطلاعات محرمانه ذخایر نفتی به دست بیگانگان افتاده و این یک تهدید ملی به حساب می آید. اشتباهی در امر اعلام تراز موجودی نفت صورت گرفته است. زنگنه تراز موجودی نفت کشور را ۱۳۲ و همامانه آن را ۱۵۹ اعلام کرده است. یعنی ایران ۱۵۹ میلیارد بشکه نفت ذخیره دارد که می تواند از آن برداشت کند. اوپک هم بر همین اساس و تراز اعلام شده، سقف تولید ایران را تعیین می کند و رقم آن را ۷ میلیون بشکه تخمین می زند.

مترمکعب تراز منفی رو به رو هستیم. تزریق گاز منجر به استحصال تمام ذخیره نفتی شده و خود جایگزین نفت می شود و با تزریق هر مترمکعب بیش از یک دوم بشکه نفت برداشت می شود. این در حالی است که این میزان نفت را با تزریق و انتقال نهایتاً ۲۰ سنت می فروشیم و از سوی دیگر ۲۰ دلاری را دریافت می کنیم.

اطلاعاتی هم که به مسوولان کشور ارائه کرده اند، معمولاً اطلاعات غلطی بوده است. به عنوان مثال، در قرارداد شل بلوک بندی صورت گرفته برای نصب دستگاه های استخراج نفت به دلیل غیر تخصصی بودن، به نادرستی آن پرداخته نشده است. گازوئیل در ایران رقمی معادل ۶۶۰ ریال دارد اما در خارج مرز بالغ بر ۱۰ برابر قیمت خریداری می شود. ایران در حالی که ۶/۶ درصد جمعیت چین را داراست، ۱۶ برابر این کشور وسیع (به لحاظ جمعیت و مساحت) نفت در داخل توزیع می کند. بنابراین کالایی که تنها محصول اصلی صادرات ماست. برای صرفه جویی در آن برنامه های نادریم و واردات، صادرات و توزیع آن غیر شفاف عمل می شود.

تجزیه و تحلیل شما از بحث های مطرح پیرامون نفت چیست؟ بخشی از این مشکلات درونی و بخش عمده ای از آن القایی است که از خارج کشور ارایه می شود. چه توسط اوپک و چه توسط کارتل های نفتی که اساس بازیگری نفت را در دنیا بر عهده دارند. وزارت نفت هنوز قادر نیست از طریق یک لیست شفاف فروشندگان و خریداران نفت را اعلام کند، باینکه ایران ۲۰ درصد نفت چین و یا ۴۰ درصد نفت ژاپن را تامین می کند، اما مشخص نیست نفت استحصالی تحقیقات از چه طریق و چه مجرای وارد کشتی ها شده و از ایران خارج می شود؟ هیچ کس به صورت شفاف پاسخگوی این سوال نیست. بنابر این بخشی از مافیایی نفت به صورت شفاف از سوی کشورهای خارجی و بخشی از آن سازمان ها نهادها، دوایر دولتی و غیر دولتی در کشور هستند و به دلیل منافعی که در نفت دارند در برابر همه اتفاقاتی که رخ می دهد سکوت می کنند. هیچ راهی هم برای برون رفت از این مساله وجود ندارد مگر اینکه منابع تولید نفت و نحوه خروج به طور شفاف بیان شده و بر اساس آن شورا یا مجموعه و

در قانون برنامه چهارم این گونه مطرح شده است که کلیه تولیدات شرکت ملی نفت ایران و شرکت های تابعه و وابسته طرف قرارداد، از طریق شرکت ملی نفت ایران فروخته شده و در محاسبات بودجه سالانه قرار می گیرد که از این مجموع شرکت نفت بر اساس بودجه می تواند ۷/۸ درصد هر بشکه را برای خود برداشت کند و مازاد این مبلغ به حساب دولت واریز می شود. اما اگر به عنوان مثال نفت ایران دو دلار افزایش پیدا کرد، شرکت باز اجازه دارد همان درصد تعیین شده را از مجموع فروش یک بشکه نفت برای خود برداشت کند. در اینجا باز هم مشکلی که وجود دارد، این است که مبنایی برای میزان فروش در نظر گرفته نشده که اگر این مبنا با افزایش دلار رو به رو شود، تنها همان n دلار به ۷/۸ درصد سهم شرکت نفت اضافه شود نه اینکه از مجموع n دلار افزایش، شرکت همچنان اجازه داشته باشد ۷/۸ درصد سهم و سود خود را برداشت کند.

مترمکعب تراز منفی رو به رو هستیم. تزریق گاز منجر به استحصال تمام ذخیره نفتی شده و خود جایگزین نفت می شود و با تزریق هر مترمکعب بیش از یک دوم بشکه نفت برداشت می شود. این در حالی است که این میزان نفت را با تزریق و انتقال نهایتاً ۲۰ سنت می فروشیم و از سوی دیگر ۲۰ دلاری را دریافت می کنیم.

در مقطع کنونی قادر به فروش روزانه ۵۰ هزار بشکه نفت بودیم و یا حداقل این میزان را ذخیره می کردیم و نهایتاً می توانستیم به جای فروش نفت سیاه که ارزش کمتری نسبت به نفت سفید دارد، نفت را به صورت پالایش شده و با قیمت هنگفتی صادر می کردیم. هر بشکه نفت ۱۸۶ لیتری در صورت اقدام به پالایش ۱۵۶ لیتر بنزین تولید می کند اما تفاوت نرخ

تجزیه و تحلیل شما از بحث های مطرح پیرامون نفت چیست؟ بخشی از این مشکلات درونی و بخش عمده ای از آن القایی است که از خارج کشور ارایه می شود. چه توسط اوپک و چه توسط کارتل های نفتی که اساس بازیگری نفت را در دنیا بر عهده دارند. وزارت نفت هنوز قادر نیست از طریق یک لیست شفاف فروشندگان و خریداران نفت را اعلام کند، باینکه ایران ۲۰ درصد نفت چین و یا ۴۰ درصد نفت ژاپن را تامین می کند، اما مشخص نیست نفت استحصالی تحقیقات از چه طریق و چه مجرای وارد کشتی ها شده و از ایران خارج می شود؟ هیچ کس به صورت شفاف پاسخگوی این سوال نیست. بنابر این بخشی از مافیایی نفت به صورت شفاف از سوی کشورهای خارجی و بخشی از آن سازمان ها نهادها، دوایر دولتی و غیر دولتی در کشور هستند و به دلیل منافعی که در نفت دارند در برابر همه اتفاقاتی که رخ می دهد سکوت می کنند. هیچ راهی هم برای برون رفت از این مساله وجود ندارد مگر اینکه منابع تولید نفت و نحوه خروج به طور شفاف بیان شده و بر اساس آن شورا یا مجموعه و

بحث بر سر این است که چقدر این قانون به جای عنوان «شرکت های تابع» از «شرکت های تابع ملی» استفاده نشده است. دقیقاً بحثی هم که راجع به ملی بودن نفت وجود دارد، بر اساس همین استفاده از تکنولوژی چندین برابر ایران نفت برداشت می کنند، این مساله با نوع زمین میدان نفت متفاوت است. در حقیقت با این ضریب رابیع متقابل به کشور باز شد و زنگنه این مساله را عنوان کرد که با انعقاد قرارداد به شکل بیع متقابل می توان تکنولوژی لازم را از کشور های صاحب این فناوری وارد کرد. اما هر کسی در شرکت نفت یا وزارتخانه این مساله را مطرح می کند که به لحاظ تکنولوژی از زمانی که قرارداد

فرآورده هزینه پرداخت می کنیم. یعنی ۲۰ سنت در مقابل ۲۰۰۰ سنت قرار می گیرد. چه کسی پاسخگوی این مساله خواهد بود؟ توجهی که برای این قراردادها مطرح می شود؟ توجهی که در آن مقطع زمانی برای انعقاد قراردادهای نفتی به صورت بیع متقابل ارایه می شد، این بود که برای حفظ جایگاه خود در اوپک باید تولید را تا سقف ۷ میلیون بشکه نفت افزایش دهیم. اما برای رسیدن به این سقف تکنولوژی لازم را نداریم و لذا ناچار هستیم که شرکت های خارجی را با قراردادهای بیع متقابل وارد این صنعت کنیم، لذا برای توجیه انعقاد این گونه قراردادهای، از یک سو افزایش تولید و از سوی دیگر ورود تکنولوژی از کشورهای خارجی مطرح شد. در همان مقطعی که این مساله در مجلس پیگیری می شد، وزیر وقت با مقایسه دو میدان نفتی در ایران و نروژ که به لحاظ مساحت هم یکسان هستند این نکته را مطرح کرد که نروژ به جهت دارا بودن تکنولوژی برتر از این میدان روزانه ۸۰ هزار بشکه نفت برداشت



اما در این قرارداد میزان و تعداد سنوات برداشت نفت به طرف خارجی سپرده شده است که قطعاً از کشور قطر حمایت خواهد کرد و از مواضع تحریم و محاصره اقتصادی کشور ماست، پشتیبانی نخواهد کرد. در رابطه با گاز هم در قرارداد اخیر که منعقد شده، از ۲۱ میلیارد مترمکعب گاز، مبلغ ۴ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار سهم عایدات ایران از میدان جدید گازی است. لذا از تقسیم این میزان گاز به مبلغ قرارداد، بین ۹ تا ۱۳ سنت حاصل می شود. با گرد کردن این مبلغ نهایتاً از فروش هر مترمکعب گاز، ۲۰ سنت عاید ایران می شود. این در حالی است که ما برای برداشت صیاتی نفت نیاز به تزریق گاز داریم و اگر این گاز که با حداقل سنت ها در آمدزایی برای کشور ایجاد کرده با تزریق به چاه های نفت علاوه بر استحصال بیشتر نفت، گاز تزریق شده نیز به صورت ذخیره برای کشور

گازوئیل به لحاظ مصرف در بخش گرمایی و سیستم ترابری و حمل و نقل لیتراژ بسیار بالاتری از بنزین دارد و حتی بیشتر از بنزین هم از کشور قاچاق می شود، اما تاکنون اصلاً به آن پرداخته نشده است

فروش در سود آن قابل مقایسه با هم نیست اما با فروش نفت و واردات بنزین به حداقل در آمد بستنده کرده ایم، یکی از تهدیدات علیه ایران احتمال تحریم و محاصره اقتصادی است چرا که ایران توانایی تامین بنزین داخلی را ندارد و از این نقطه آسیب پذیر است. این تحریم ها منجر به کاهش در آمد کشور و آسیب پذیری داخلی خواهد شد. ایران همین رو بیگانگان از این قضیه به عنوان اهرم فشار استفاده خواهند کرد به این مفهوم که در شرایط تحریم اقتصادی اگر در آمد کشور کاهش پیدا کرد، به نحوی می توان آن را جبران کرد، اما نیازهای داخلی به هیچ وجه تامین نخواهد شد.

پایان گراف آرش تصویری  
minimal@asianews.ir  
فاتحان  
باید با هم نقشه ها بر رسم می کردیم. اول چند دقیقه به نقشه ها نگاه کردیم و بیکار دیگر کردیم و با هر خاندانیم و آن را واریسی کردیم، بعد سرهایمان را بالا آوردیم و با تعجب به هم زل زدیم و از نگاه هم طفره رفتیم:  
جزیره ای به اندازه سه متر طول و ۱۵۶ سانتی متر عرض در اقیانوس آرام، آرام مانده بود  
دویریم و روی اسب هایمان پریدیم.

پایان گراف آرش تصویری  
minimal@asianews.ir  
فاتحان  
باید با هم نقشه ها بر رسم می کردیم. اول چند دقیقه به نقشه ها نگاه کردیم و بیکار دیگر کردیم و با هر خاندانیم و آن را واریسی کردیم، بعد سرهایمان را بالا آوردیم و با تعجب به هم زل زدیم و از نگاه هم طفره رفتیم:  
جزیره ای به اندازه سه متر طول و ۱۵۶ سانتی متر عرض در اقیانوس آرام، آرام مانده بود  
دویریم و روی اسب هایمان پریدیم.

گازوئیل به لحاظ مصرف در بخش گرمایی و سیستم ترابری و حمل و نقل لیتراژ بسیار بالاتری از بنزین دارد و حتی بیشتر از بنزین هم از کشور قاچاق می شود، اما تاکنون اصلاً به آن پرداخته نشده است

فروش در سود آن قابل مقایسه با هم نیست اما با فروش نفت و واردات بنزین به حداقل در آمد بستنده کرده ایم، یکی از تهدیدات علیه ایران احتمال تحریم و محاصره اقتصادی است چرا که ایران توانایی تامین بنزین داخلی را ندارد و از این نقطه آسیب پذیر است. این تحریم ها منجر به کاهش در آمد کشور و آسیب پذیری داخلی خواهد شد. ایران همین رو بیگانگان از این قضیه به عنوان اهرم فشار استفاده خواهند کرد به این مفهوم که در شرایط تحریم اقتصادی اگر در آمد کشور کاهش پیدا کرد، به نحوی می توان آن را جبران کرد، اما نیازهای داخلی به هیچ وجه تامین نخواهد شد.